

محمد بن ابی الحسن المقری، سفالگری متبحر اما ناشناس

نوع مقاله:
ترویجی

10.22052/HSI.2022.243640.0

حسن رعیت مقدم آرانی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۳۰

مجله هنرهای
صنایع ایران

دفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۶

بهار و تابستان ۱۴۰۰

چکیده

۴۵

از میان شیوه‌ها و فنون به کاررفته در تزئین سفالینه‌ها، زرین‌فام، زیباترین و باشکوه‌ترین روش بوده است. در سده‌های ششم و هفتم هجری، کاشان یکی از مراکز اصلی تولید سفال زرین‌فام شناخته می‌شد و آثار فاخر تولیدشده در این شهر، هم‌اکنون زینت‌بخش بسیاری از موزه‌ها و مجموعه‌های ایران و جهان است. با بررسی آثار رقم‌دار شناخته‌شده از سفالگران و کاشی‌سازان کاشانی در سده‌های ششم و هفتم هجری، با سلسله‌ای از روابط خانوادگی مواجه می‌شویم که گویای انتقال سینه‌به‌سینه این هنر است. از خاندان‌ها و هنرمندان مشهوری که در زمینه هنر زرین‌فام سبک کاشان فعالیت داشته‌اند، خانواده‌های ابوطاهر، ابوزید و الحسینی نام برده شده‌اند و محققان و پژوهشگران متعدد، در مورد آن‌ها قلم‌فرسایی کرده‌اند. محمد بن ابی الحسن المقری، یکی از هنرمندان سبک زرین‌فام کاشان با شش اثر رقم‌دار است. پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی است و با بهره‌گیری از منابع و اسناد کتابخانه‌ای انجام شده و هدف آن، معرفی و شناسایی ویژگی‌های آثار رقم‌دار المقری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که المقری از هنرمندان سفالگر در آن عصر بوده و انتساب عناوین دیگر همچون حامی هنرمند به وی، بی‌پایه و اساس است. همچنین به دلیل شیوه خاص وی در تلفیق تکنیک مینایی و زرین‌فام، یکی از هنرمندان بی‌همتا در زمانه خود بوده است.

کلیدواژه‌ها:

المقری، زرین‌فام، مینایی، سبک کاشان.

۱. مقدمه

از رقم‌های یافته‌شده روی سفالینه‌های دوره سلجوقی، تاکنون اسامی تعدادی از سفالگران و هنرمندان کاشی‌ساز که در کاشان فعالیت داشته‌اند، به دست آمده است. با توجه به ادله و شواهد موجود، تعدادی از این افراد به‌طور قطع در حرفه کاشی‌سازی و سفالگری مشغول بوده و جزو هنرمندان سفالگر دوره سلجوقی محسوب می‌شوند. هنرمندانی هستند که تاکنون با یک رقم ثبت‌شده به این انتساب قطعی نائل شده‌اند. افرادی هم هستند که با وجود آثار و رقم‌های متعدد، نمی‌توان ایشان را جزو هنرمندان کاشی‌ساز به شمار آورد. از جمله رقم‌هایی که قطعی بودن آن‌ها به‌عنوان رقم هنرمند کاشی‌ساز محرز نشده، رقم «محمد بن ابی الحسن المقری» است. بعضی پژوهشگران بر این اعتقادند که المقری حامی هنرمند یا سفارش‌دهنده اثر بوده است و برخی نیز او را هنرمند کاشی‌ساز می‌نامند. تشکیک آرا در خصوص رقم المقری، امروزه به قوت خود باقی است؛ از این رو در این مقاله سعی شده با مطابقت آثار رقم‌دار المقری با ویژگی‌های سفال زرین‌فام سبک کاشان، اصالت کاشانی بودن این هنرمند اثبات و ویژگی خاص سبک کاری وی با شناسایی شود. همچنین با شناسایی اشخاص هم‌نام و هم‌عصر وی، سعی شده رد و نشانی از اصل و نسب المقری یافت گردد. در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای، اطلاعات مورد نیاز از منابع مکتوب، سایت‌های معتبر و موزه‌ها، جمع‌آوری شده و سپس با تحلیل منابع و بررسی تصاویر یافت‌شده، به شیوه توصیفی و تحلیلی، آثار این هنرمند و اصل و نسب وی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

پیش از این، در خصوص خاندان المقری، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است اما پژوهشگران در خلال موضوعات اصلی خود، گریزی به معرفی، اصل و نسب و جایگاه اجتماعی این خانواده زده‌اند؛ چنان‌که آرتور آپهام پوپ^۱ (۱۹۳۶) در مقاله‌ای با عنوان «امضای یک ظرف مینایی کاشان»^۲ به معرفی یک ظرف مینایی دوره سلجوقی تولید کاشان پرداخته و المقری را به‌عنوان هنرمند این اثر معرفی کرده است. ولی او در کتاب سیری در هنر ایران و در بخش بررسی شجره‌نامه خاندان‌های کاشی‌کار کاشان در دوره سلجوقی، نامی از خاندان این هنرمند نیاورده و فقط به تصویری از یک کاسه با رقم المقری اکتفا کرده است. الیور واتسون^۳ (۱۳۸۲) در کتاب سفال زرین‌فام ایرانی، خاندان المقری را خانواده‌ای مستقل معرفی کرده است ولی اعتبار این خانواده را بسته به آن دانسته که این نام متعلق به یک استاد کاشی‌کار باشد، نه نام یک مشتری یا حامی سفالگر. وی همچنین اشاره به کاسه‌ای کرده که دارای امضایی از المقری بوده اما این کاسه هیچگاه دیده نشده و محل نگهداری این اثر، نامعلوم است. همچنین اعتمادالسلطنه (۱۳۶۲) در کتاب مطلع الشمس و در توصیف کاشی‌های حرم مطهر امام رضا(ع)، از المقری به‌عنوان بانی قسمتی از کاشی‌ها نام برده است. ایمانپور و صیامیان گرجی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی پیشینه یک اثر معماری در حرم رضوی، کتیبه‌های سنجرى»، به بررسی کاشی‌های ازاره‌ای اطراف حرم حضرت امام رضا(ع)، معروف به کتیبه‌های سنجرى پرداخته و اسامی زیادی را از این کاشی‌ها استخراج کرده است. در قسمتی از این کاشی‌کاری‌ها، کاشی‌کاری نفیس و برجسته‌ای به خط ثلث است که کتیبه‌ای با رقم المقری در آن دیده می‌شود. این مؤلفان، معتقدند که سازنده این کاشی‌های نفیس، خاندان ابی‌طاهر بوده‌اند و نام المقری به‌عنوان بانی این کاشی‌ها ثبت شده است. عبدالله قوچانی (۱۳۹۷) در کتاب احادیث کاشی‌های زرین‌فام حرم مطهر امام رضا اظهار داشته که المقری همان ابوزید است. در واقع باید گفت هیچ‌یک از این منابع، اظهار نظر قطعی و ناظر بر دلیلی متقن، مبتنی بر اصل و نسب المقری و جایگاه واقعی او را بیان نکرده‌اند.

۲. خاندان‌های کاشی‌ساز کاشانی (سبک کاشان)

از میان شیوه‌ها و فنون به‌کاررفته در تزیین سفالینه‌ها، زرین‌فام، زیباترین و باشکوه‌ترین روش است. این شیوه تزیینی چون رازی پنهان و به‌صورت موروثی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شده است (واتسون ۱۳۸۲، ۲۵۵). در سده‌های ششم و هفتم هجری شهرهایی چون گرگان، ری، ساوه، سلطان‌آباد و به‌طور ویژه کاشان، از مراکز اصلی تولید سفال زرین‌فام بوده‌اند (کیانی و کریمی ۱۳۶۴، ۴۴). یاقوت حموی نویسنده کتاب معجم البلدان، شهر کاشان را با کاشی‌های زرین‌فام و مینایی معرفی کرده است^۴ (حموی ۱۳۷۶ق، ۲۹۶). همچنین ابوالقاسم عبدالله کاشانی در بخشی از رساله عرایس الجواهر و نفایس الاطیاب در باب چگونگی ساخت مینای زرین‌فام، سخن به میان آورده است؛ وی خود سفالگر نبوده اما در خانواده‌ای کاشانی که پدر و جدش همگی سفالگر بودند زیسته است (کاشانی ۱۳۴۵، ۶ و ۷).

واضح است که کاشان در سده‌های میانه یکی از مراکز عمده و مهم تولید سفال‌های زرین‌فام بوده است. با استناد به آثار رقم‌دار شناخته‌شده از سفالگران و کاشی‌سازان کاشانی در سده‌های ششم و هفتم هجری، با سلسله‌ای از روابط خانوادگی برخوردار می‌کنیم که گویای انتقال سینه‌به‌سینه این هنر است (واتسون ۱۳۸۲، ۲۵۵). از جمله خاندان‌های مشهوری که در زمینه هنر زرین‌فام فعالیت داشتند، خانواده‌های ابوطاهر، ابوزید، الحسینی و خانواده‌المقری را می‌توان نام برد (همان، ۲۵۶). ابوطاهر در صنعت کاشی‌سازی مهارت و استادی خاصی داشته و آثار او، شامل محراب‌ها، کاشی‌های ستاره‌ای و صلیبی و خشتی است. در پایان کتاب ابوالقاسم عبدالله کاشانی، در مورد شجره‌نامه خاندان ابوطاهر، جدولی آمده است (کاشانی ۱۳۴۵، ۳۷۵) که به شناخت اعضای سفالگر آن کمک می‌کند.

ابوزید آثار بسیاری را امضا کرده که به‌شبهه زرین‌فام سبک کاشان آراسته شده‌اند. مهم‌ترین آثار ابوزید، کاشی مزار امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) است که آن‌ها را با همکاری محمد بن ابی‌طاهر انجام داده است. در خصوص ابوزید و آثارش، شیبلا بلر^۵ شرح حال و فهرستی از کارهای این هنرمند را به چاپ رسانده است. مجموع آثار ابوزید در طول چهار دهه، شامل ۲۴ عدد شیء امضاشده و تاریخ‌دار است که خلق آن‌ها توسط ابوزید مسلم است. به هر حال، ابوزید یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان سفالگر در سده میانه بوده است (پوپ و اکرم ۱۳۸۷، ج. ۴: ۱۸۰۵). از سفالگران معروف دیگری که خانواده‌ای به نام آن‌ها ثبت نشده، ولی در سده هفتم هجری، آثاری از سبک زرین‌فام کاشان برجای گذاشته‌اند، حسن بن عربشاه را می‌توان نام برد. او از هنرمندان صاحب سبک و معروف در زمینه کاشی زرین‌فام سبک کاشان است و کاشی محراب مسجد میدان کاشان، امضای او را دارد (واتسون ۱۳۸۲، ۲۶۲). خانواده دیگری به نام خانواده الحسینی با دو فرد با نام‌های علی بن احمد بن علی الحسینی و حسن بن علی احمد بابویه نیز شناخته شده است که مهم‌ترین اثر علی بن احمد، محرابی در امامزاده یحیی و محرابی محفوظ در موزه متروپولیتن، اثر حسن بن علی احمد است (همان، ۲۵۹).

هم‌زمان با خاندان‌ها و هنرمندان ذکرشده، امضایی با رقم محمد بن ابوالحسن المقری روی چند کاسه مشاهده می‌کنیم. شاید محمد بن الحسن المقری، هنرمند ماهری بوده که به‌دلیل تعداد اندک آثارش، مهارت وی به‌درستی شناسایی نشده است. ظاهراً علت مشخصی در خصوص ظاهر شدن امضای این هنرمند وجود ندارد (همان، ۱۴۱). درباره‌المقری و خانواده‌اش، اطلاعات کافی در دست نبوده و به تعدادی حدس و گمان محدود شده است.

۳. در جست‌وجوی نسب المقری

کلمه‌المقری را می‌توان به دو صورت تلفظ کرد که از لحاظ نوشتاری، مشابه نوشته می‌شوند: المُقَرِّی (al-Muqri) و المَقَرِّی (al-Maqarri). مَقَرِّی (Muqri) در لغت یعنی خواننده، کسی که تعلیم قرآن بدهد (معین ۱۳۸۱، ج. ۲: ۱۷۹۷)؛ نیز به تعلیم‌دهنده قرآن به اطفال، خواننده قرآن، قاری قرآن و کسی که به یکی از علوم قرآنی مسلط باشد اطلاق می‌گردد (دهخدا ۱۳۳۴، ج. ۴۹: ۹۲۶). تفاوت مَقَرِّی و قاری در این است که قاری فقط خواننده قرآن است ولی مَقَرِّی، صاحب علوم قرآنی است. با این تفاسیر می‌توان به این نتیجه رسید که کسی که نام وی، پسوند نسب مَقَرِّی یا المَقَرِّی دارد، می‌تواند قاری یا عالم به علوم قرآنی باشد.

برای درک این موضوع می‌توان به افرادی با نسب خانوادگی یا شهرت مَقَرِّی در سده‌های چهارم تا دهم هجری رجوع کرد تا شخصیت و هویت اجتماعی آن‌ها را با شخص مَقَرِّی مورد نظر این پژوهش مطابقت داد؛ از جمله شخصی با نام «قطب‌الدین ابوجعفر محمد بن علی بن حسن المَقَرِّی النیشابوری» که از عالمان علوم قرآنی و کلام سده‌های پنجم و ششم هجری و صاحب دو کتاب التعلیق و الحدود در علم کلام بوده است (سیاوشی و محمدی ۱۳۹۴، ۲۱۵). قطب‌الدین ابوجعفر، نسب خانوادگی المَقَرِّی داشته و به‌سبب این نسب، او را به‌عنوان یک عالم بزرگ دینی می‌شناسند. افرادی هم بوده‌اند که چنین پسوندی در نسب خانوادگی خود نداشته‌اند ولیکن به مَقَرِّی مشهور بوده‌اند؛ برای مثال شخصی به نام «ابن مهران ابوبکر احمد بن حسین بن مهران نیشابوری» (۲۹۵-۳۸۱ق) که مَقَرِّی مشهور خراسان و اولین معلم قرائت ده‌گانه^۶ بوده است (<https://lib.eshia.ir/23022/4/1835>).

در خصوص افرادی دیگر با پسوند المَقَرِّی، در سده‌های مختلف و با مناصب متفاوت، در کتاب تاریخ بیهقی^۷ اطلاعات مفیدی ثبت شده است. ابن فندق، مؤلف این کتاب، در ذکر خاندان‌های معروف بیهقی^۸ و در ذیل خاندان عزیزیان، از قومی نام برده که ایشان را عزیز می‌خواندند. مشهورترین آن‌ها «ابو محمد بن علی بن احمد بن عبدالله بن عزیز المقری» بوده است (ابن فندق ۱۳۶۱، ۱۱۹). در حال حاضر نیز خاندان عزیزیان، از خاندان‌های بزرگ و مشهور مشهد هستند و با خاندان واعظ طبری نسبت خانوادگی دارند (حجت‌الاسلام مقری، امام‌جمعه سابق

نیشابور. ارتباط شخصی. ۵ اسفند ۱۳۹۹). همچنین «ابوحامد احمد بن علی الحسین المقرئ البیهقی» که وی را متولد خسروجرد^۱ می‌داند، راوی احادیث پیامبر (ص) و از مقریان جد پدری ابن فندق بوده است (ابن فندق ۱۳۶۱، ۱۶۸). شخص مطرح دیگری که ابن فندق به ذکر نام او همت گماشته، «محمد بن علی بن حیدر الأحنف الاخرینی المقرئ»، خطاط و نساخ مشهور شهر بیهق بوده است (همان، ۲۷۶). ذکر چند نکته در اینجا لازم است. افرادی که پسوند المقرئ دارند غالباً موطن ایشان از بلاد خراسان، مثل سبزوار، نیشابور و... بوده است، همچنان که در حال حاضر نیز افرادی با پسوند خانوادگی مقرئ در شهرهایی مثل نیشابور و مشهد وجود دارند.^{۱۱} همچنین افرادی که پسوند المقرئ دارند، صرفاً عالمان به علم قرآن نبوده‌اند و ممکن است حرفه‌ای غیر از عالمان قرآنی داشته باشند (جدول ۱).

جدول ۱: مشخصات برخی افراد با نسب المقرئ (نگارنده)

نسب	نام	کنیه	نام پدر	جد	لقب	شهرت	شغل
قطب‌الدین ابوجعفر محمد بن علی بن حسن المقرئ النیشابوری	محمد	ابوجعفر	علی	حسن	مقرئ	قطب‌الدین	عالم
ابن مهران ابوبکر احمد بن حسین بن مهران نیشابوری	احمد	ابوبکر	حسین	مهران	مقرئ	ابن مهران	عالم
ابو محمد بن علی بن احمد بن عبدالله بن عزیز المقرئ	علی	ابومحمد	احمد	عبدالله	شیخ‌القراء	عزیز	عالم
ابوحامد احمد بن علی الحسین المقرئ البیهقی	احمد	علی	حسین	حامد	المقرئ	البیهقی	راوی حدیث
محمد بن علی بن حیدر الأحنف الاخرینی المقرئ	محمد		علی	حیدر	المقرئ	الاخرینی	نساخ

اما در تلفظ المقرئ (al-Maqarri)، در علوم فقه و حدیث به شخص معروفی با نام «شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن احمد بن عبدالرحمان بن محمد المقرئ» برمی‌خوریم که در تلمسان^{۱۲} زاده شده و در قاهره درگذشته است. او حافظ قرآن، ادیب و عالم به علوم فقه و حدیث و تفسیر و کلام بوده است. او به خاندان اهل علم و مقرئ الاصل تعلق داشته است. مقره (Maqarre)، قریه‌ای است در کشور مغرب کنونی و نزدیک تلمسان که خانواده شهاب‌الدین، پیش از تولد وی از آنجا به تلمسان نقل مکان کرده بودند. او کتابی در علم کلام به نام نفع الطیب^{۱۳} دارد (روغنی ۱۳۸۵، ۱۰۲). شخص دیگری نیز با پسوند المقرئ، شناسایی شده که «احمد بن محمد بن علی الفیومی المقرئ» نام داشته و از لغویون بوده که در مصر متولد شده و در سال ۲۷۰ق از دنیا رفته است (https://fa.wikifeqh.ir). به این ترتیب می‌توان گفت تلفظ المقرئ، به شهر مقره منتسب است که فرد در آن زاده شده یا اهل آنجا بوده است. همچنان که به‌طور مثال فردی با نام «الشریف ابوالقاسم علی الحرانی» محدث، مفسر و قاری قرآن بوده و در شهر حران از شهرهای سوریه اقامت داشته است^{۱۴} (ابن فندق ۱۳۶۱، ۵۱). بنابراین حرانی در انتهای نسب این شخص، اشاره به محل زادگاه وی دارد نه معانی دیگر حران. افراد زیادی با چنین اسامی خانوادگی‌ای در کتاب تاریخ بیهق معرفی شده‌اند که انتهای نسب ایشان، شهر محل تولد یا اقامتشان بوده و این شیوه‌ای رایج در آن عصر بوده است.

۴. آثار المقرئ در سبک کاشان

از مجموعه‌های مختلف، تاکنون شش اثر با رقم المقرئ به دست آمده که پنج عدد از آن‌ها، ظرف کاسه‌ای و یک اثر، کوزه‌شکل بوده است. از این آثار، سه اثر زرین‌فام، یک اثر بدون لعاب و دو اثر، ترکیبی از مینایی و زرین‌فام هستند. هر سه اثر زرین‌فام، دارای رقم محمد بن ابوالحسن المقرئ هستند که به‌وضوح قابل خوانش است. در دو ظرف دیگر، رقم مقرئ دیده می‌شود. به‌جز دو کاسه‌ای که ترکیب مینایی و زرین‌فام هستند، در بقیه ظروف، سبک زرین‌فام کاشان قابل ردیابی است. از ویژگی‌های شاخص سبک کاشان، تأکید بر نقش‌اندازی پیوسته تمام سطح است (یوپ و اکرم ۱۳۸۷، ج. ۴: ۱۸۲۳)؛ چنان‌که این ویژگی را در ظروف محفوظ در موزه ملی ایران و هنر اسلامی قطر می‌توان مشاهده کرد (تصاویر ۱ و ۲).

جفت پیکره‌ای در حال گفت‌وگو در تصویر (۱)، نقشی رایج بر کاسه‌های آثار زرین‌فام سبک کاشان بوده است (همان، ج. ۴: ۱۸۱۷) که در آثار هنرمندان سفالگر سده ششم و هجری همچون ابوزید و روی کاشی‌ها و ظروف سفالین، قابل ردیابی است (تصویر ۳). جفت پیکره در قسمت داخلی کاسه محفوظ در موزه ملی ایران (تصویر ۱)، بر اصالت سبک کاشانی این ظرف تأکید دارد. از ویژگی‌های دیگر سبک کاشان، نقش پرندگانی با کاکل‌های گره‌دار برجسته شبیه چکاوک شاخ‌دار و اردک‌های کوچک فربه است (همان، ج. ۴: ۱۸۲۶). این شاخصه بارز سبک کاشان (تصویر ۴) را در یک بشقاب زرین‌فام محفوظ در موزه دانشگاه فیلاولفیا می‌توان مشاهده کرد (تصویر ۵) که به‌صورت نواری پهن، با اسپیرال‌های دایره‌وار از این نوع پرندگان سبک کاشان، پُر شده است (Ettinghausen 1936, 44). داخل کاسه‌ای دیگر از المقرئ که در سال

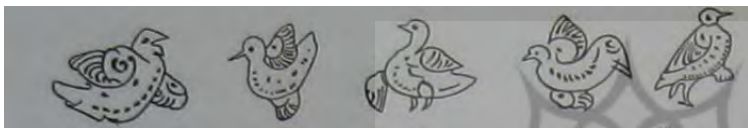
۶۰۰ هجری قمری ساخته شده و در موزه هنر اسلامی قطر محفوظ است، همان اردک‌های فربه در حال پرواز ترسیم شده‌اند (تصویر ۲). از مقایسه این کاسه با ظرف موزه فیلادلفیا، در منشأ کاشانی این ظرف، تردیدی باقی نمی‌ماند.



تصویر ۲: کاسه زرین فام، کاشان، قرن هفتم هجری، رقم محمد بن ابی الحسن المقری، محل نگهداری: موزه هنر اسلامی قطر (قوجانی ۱۳۹۷، ۴۱)



تصویر ۱: کاسه زرین فام، کاشان، قرن هفتم هجری، رقم محمد بن ابی الحسن المقری، محل نگهداری: موزه ملی ایران (قوجانی ۱۳۹۷، ۳۸)



تصویر ۴: پرندگان سفالینه‌های منقوش زرین فام (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ج. ۴: ۱۸۲۷)



تصویر ۵: بشقاب زرین فام، کاشان، سال ۶۰۸ ق. محل نگهداری: موزه دانشگاه فیلادلفیا (<https://www.penn.museum/collections/object/185989>)



تصویر ۳: کاشی زرین فام، کاشان، سال ۶۰۷ ق، رقم ابوزید، محل نگهداری: موزه هنرهای اسلامی بوستون (Blair 2008, 161)

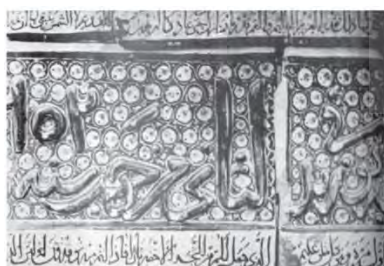
صنایع
بهره‌های ایران

دفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۶

بهار و تابستان ۱۴۰۰

۴۹



تصویر ۸: کاشی زرین فام، کاشان، سال ۶۰۲ ق، رقم محمد بن ابوطاهر، محل نگهداری: موزه ویکتوریا و آلبرت لندن (www.vam.ac.uk)



تصویر ۷: کاشی زرین فام، کاشان، قرن هفتم هجری، رقم حسن بن عرب‌شاه، محل نگهداری: موزه ویکتوریا و آلبرت لندن (www.vam.ac.uk)



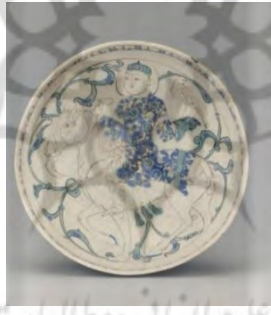
تصویر ۶: کاسه زرین فام، کاشان، سال ۶۰۳ ق، رقم محمد بن ابی الحسن المقری، محل نگهداری: مجموعه هاروی ب. پلانتیک (Pancaroglu 2007, 146)

سبک کاشان در یک ظرف کاسه‌ای دیگر با رقم المقری که در مجموعه‌هاروی ب. پلاتینیک در شیکاگو نگهداری می‌شود، قابل مشاهده است (تصویر ۶). نقش دو پرندۀ ایستاده در کف ظرف، شبیه همان پرندگانی است که در کاشی محرابی محفوظ در موزۀ ویکتوریا و آلبرت لندن با رقم حسن عرب‌شاه دیده می‌شود (تصویر ۷). همچنین برگ‌هایی که در بیرون کاسه به‌صورت یک نوار پهن و میان دو کتیبه بالایی و پایینی ظرف و داخل اسپیرال‌ها ترسیم شده‌اند، مشابه نقشی است که در یک حاشیۀ باریک از کاشی‌های ضریح حضرت معصومه (س) وجود دارد (Ettinghausen 1936, 45) و امضای محمد بن ابوطاهر را دارد (تصویر ۸). بنابراین در اصالت منشأ کاشانی این ظرف هم شکی باقی نمی‌ماند. علاوه بر این کاسه، در موزۀ لوور، کوزه‌ای سفالین محفوظ است که تاریخ ۶۱۲ق و رقم مقری را دارد (تصویر ۹). تصاویر برجستۀ پرندگانی که روی این کوزه حک شده‌اند، شبیه نقش پرندگان سبک کاشان است که پیش‌تر از آن‌ها یاد شد.

از بین شش ظرف نام‌برده، دو کاسه به‌لحاظ تکنیکی و طراحی، متفاوت از بقیۀ ظروف هستند (تصاویر ۱۰ و ۱۱). در این ظروف، تکنیک‌های مینایی و زرین‌فام به‌طور هم‌زمان استفاده شده است. در قسمت داخلی هر دو ظرف، مقامی بلندپایه سوار بر اسب نشان داده شده است. روی یکی از کاسه‌ها، تصویر عبارت «کتبه مقری» دیده می‌شود (تصویر ۱۰) و در کاسه دیگر (تصویر ۱۱)، تصویری از امضای محمد بن ابوالحسن المقری توسط فردریش زاره^{۱۴} شناسایی شده است (pope 1936, 146). بیرون هر دو ظرف، شیوه‌ای از کتیبه‌نویسی خطوط به کار رفته است که در دیگر آثار مینایی دیده نمی‌شود (تصویر ۱۲). در این شیوه که احتمالاً تقلیدی از خطوط برجستۀ کتیبه‌های زرین‌فام محراب‌ها می‌باشد، خط با رنگ مشکی دورگیری شده و داخل آن با لعاب فیروزه‌ای پر شده که از لحاظ ارتفاع حروف، شبیه خط ثلث است. در بیرون یکی از کاسه‌ها، شعری به زبان عربی منتسب به حضرت علی (ع) نوشته شده^{۱۵} که شاید بدین سبب بتوان گفت که سازندۀ این ظرف، مذهب شیعه داشته است. در هر دو کاسه و زیر کتیبه لبۀ ظرف، یک جفت اسپیرال متقارن دیده می‌شود که انتهای اسپیرال‌ها به اسلیمی ختم می‌شود و دورتادور ظرف تکرار شده‌اند (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۱: کاسه مینایی و زرین‌فام، کاشان، قرن هفتم هجری، رقم محمد بن ابوالحسن المقری، محل نگهداری: اف. ام. گوتتر (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ج. ۴: ۷۰۵)



تصویر ۱۰: کاسه مینایی و زرین‌فام، کاشان، قرن هفتم هجری، رقم مقری، محل نگهداری: مجموعه هاروی ب. پلاتینیک (Pancaroglu 2007: 148)



تصویر ۹: کوزه سفالی، سال ۶۱۲ق، رقم مقری، محل نگهداری: موزۀ لوور (قوچانی ۱۳۹۷، ۴۵)



تصویر ۱۲: بخشی از کاسه مینایی و زرین‌فام، کاشان قرن هفتم هجری، رقم مقری، محل نگهداری: مجموعه هاروی ب. پلاتینیک (Pancaroglu 2007, 149)

جدول ۲: آثار المقری در یک نگاه (نگارنده)

شماره	نوع	تکنیک	محل نگهداری	ارتفاع × قطر دهانه (cm)	تاریخ (ق)	تصویر
۱	کاسه	زرین فام و مینایی	مجموعه هاروی ب. پلاتنیک	-	بدون تاریخ	
				متن کتیبه روبه‌رو: تعلم قوام الخط یا ذا التادب فما الخط الا زينة المتأدب کتبه مقری		
۲	کاسه	زرین فام و مینایی	مجموعه اف ام گوئتر	-	بدون تاریخ	
۳	کاسه	زرین فام	مجموعه هاروی ب. پلاتنیک	۶۰۳		
						متن کتیبه روبه‌رو: کتبه محمد بن ابی الحسن المقری فی محرم سنة ثلث و ستامائه
۴	کاسه	زرین فام	موزه ملی ایران	۶۰۸		
						متن کتیبه روبه‌رو: کتبه محمد بن ابوالحسن المقری فی شهر سنة ثمانی و ستامائه
۵	کاسه	زرین فام	موزه ملی قطر	۶۰۰		
						متن کتیبه روبه‌رو: کتبه محمد بن ابوالحسن المقری فی شهر سنة ستامائه
۶	کوزه	بدون لعاب	موزه لوور	۶۱۲		
						متن کتیبه روبه‌رو: عمل مقری

۵. ویژگی‌های سبک المقری

با بررسی رقم‌هایی که روی ظروف زرین‌فام متعلق به دوره پیش از مغول ثبت شده، فقط امضای ابوزید بیش از یک بار آمده است و او را تنها تولیدکننده شناخته‌شده کاشی می‌دانستند که به‌طور قطع، در زمینه ظروف هم شهرت داشته است (واتسون ۱۳۸۲، ۱۴۴). دیگر هنرمندان و سفالگران کاشانی آن عصر، فقط روی کاشی امضا نموده‌اند و نمونه‌ای از امضای آن‌ها روی ظروف دیده نمی‌شود. اما با بررسی رقم‌های آثار المقری روی ظروف (جدول ۲) می‌توان این هنرمند را هم‌پایه ابوزید شمرد و از وی به‌عنوان سفالگری که مشخصاً روی ظروف هم رقم نموده است نام برد. بدین ترتیب، المقری را می‌توان سفالگر نامید زیرا وی در ساخت ظروف مهارت داشته است و شاید بتوان او را به‌دلیل به‌کار بردن همزمان دو تکنیک زرین‌فام و مینایی، در سفالگری نابه‌دانش (تصاویر ۱۰ و ۱۱). به‌کارگیری چنین تکنیکی، در ظروف ساخته‌شده توسط ابوزید دیده نمی‌شود. البته قابل ذکر است که ابوزید در تکنیک‌های مینایی و زرانودود^{۱۶} متبحر بوده و آثاری از وی به‌جا مانده است (تصویر ۱۳). تا پیش از این آثار، در کاشی‌ها و ظروف زرین‌فام به‌جز رنگ طلایی و طیف‌های طلایی، استفاده از رنگ‌های دیگر محدود به رنگ لاجوردی و فیروزه‌ای می‌شده است که کاشی‌سازان این دو رنگ را یا به‌صورت لکه‌های تصادفی، روی قسمتی از کاشی‌ها و ظروف قرار می‌دادند یا به‌شیوه زیر لعابی، اسپیرال‌هایی را ترسیم می‌کردند (تصویر ۱۴). اما در دو کاسه‌ای که رقم المقری دارند، مشاهده می‌شود که هنرمند به‌صورت آگاهانه و با طرحی ازپیش‌تعیین‌شده، خطوط ظریف زرین‌فام و سطوح رنگی لعاب مینایی را هم‌زمان به‌کار برده که در نوع خود بی‌نظیر است (تصاویر ۱۰ و ۱۱). حتی کتیبه‌های بیرونی هر دو ظرف یادشده، از لحاظ نوع خط و رنگ‌آمیزی ممتاز هستند که در آثار هنرمند هم‌عصر او یعنی ابوزید دیده نمی‌شود. این ویژگی نوشتن خطوط به‌صورت دورگیری و پرشدن با رنگ فیروزه‌ای، می‌تواند از ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد سبک این هنرمند باشد. این شیوه کتیبه‌نویسی را در ظرف دیگری که در مجموعه خلیلی محفوظ است می‌توان دید (تصویر ۱۵). این ظرف که دارای خطی با شیوه کتیبه‌نویسی است، از ظروف دیگر متفاوت است و به‌شیوه خط‌نگاشته المقری، شباهت بسیاری دارد. شاید بتوان این ظرف بدون رقم را به‌دلیل همین شباهت در کتیبه‌نگاری، به المقری نسبت داد.



تصویر ۱۴: کاشی زرین‌فام، کاشان، قرن هفتم هجری، محل نگهداری: موزه متروپولیتن (www.metmuseum.org)



تصویر ۱۳: کاسه مینایی و زرانودود، کاشان، قرن هفتم هجری، رقم ابوزید، محل نگهداری: موزه متروپولیتن (www.metmuseum.org)



تصویر ۱۵: کاسه مینایی و زرین‌فام، کاشان، قرن هفتم هجری، محل نگهداری: موزه کویت (Watson 2004: 364)

یک کاشی منحصر به فرد در موزه هنرهای زیبای بوستون وجود دارد که کتیبه‌ای مرتبط با داستانی از شاهنامه^{۱۶} را دارد (تصویر ۱۶) و بر کاشی نوشته شده: «رفتن ایرانیان از دژ فرود»^{۱۸}. این قطعه کاشی شکسته، مینایی و زرین فام است. در این کاشی، یک پرچمدار، نوارهای در حال اهتزاز را که یکی از مشخصه‌های درفش آن روزگار است، بالا نگه داشته است. سه سلحشور دارای کلاهخود، گروه را هدایت می‌کنند و جلوتر قرار گرفته‌اند. یکی از آن‌ها که در وسط قرار گرفته، مشخصاً پادشاه است زیرا نماد مقام بالا را که گزری مرصع با سر ازدهاست، حمل می‌کند. سوار پشت سر، دهنه اسب‌های هیجان‌زده را با مهارت در دست دارد. پس از آن‌ها، دو پرچمدار با بیرق‌های کتیبه‌دار بسته شده می‌آیند که سوار بر الاغ‌های رم‌کرده و خشمگین، دهل‌زنان نقش شده‌اند. این کاشی شکسته، نشان از دستاوردی استثنایی دارد که تاکنون، حتی تکه‌ای ناقص شبیه به آن شناسایی نشده است. ساخت این کاشی، باید بسیار گران بوده باشد و فقط برای کاخ یا شخصیتی بسیار مهم می‌توانسته ساخته شده باشد (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ج. ۴: ۱۸۳۰).

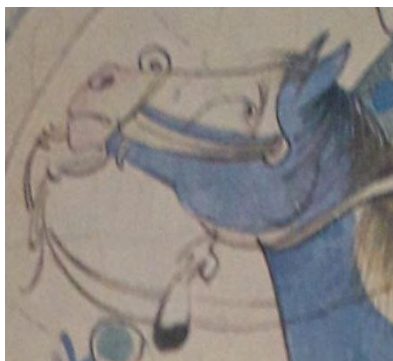
نقوش طراحی شده روی این کاشی، شامل تعدادی از شاخص‌ترین ویژگی‌های سبک زرین فام کاشان است. به هم پیوستن نقش در تمام قسمت‌ها، متراکم بودن اردک‌های کوچک و برگ‌های رگ‌دار و خال‌دار، همچنین نقش مردان ریش‌دار موجود در این کاشی را می‌توان در کاشی زرین فام ستاره‌ای موزه قاهره مشاهده کرد (تصویر ۱۷) که به سبک کاشان است (همان، ج. ۴: ۱۸۲۹). این کاشی، شبیه یک نگارگری است؛ ترسیم قوی رنگ‌های غنی و جزئیات جالب توجه، از ویژگی‌های آن است. پرداخت سازوبرگ سر اسب، یال خشن، برگ خال‌دار و اردک‌ها و ماریچ‌های ظریف در این کاشی در مقایسه و شباهت با کاسه‌ای که رقم المقری دارد (تصویر ۱۱) قابل توجه است. در هر دوی آن‌ها، آبی بنفش فام یکسانی به کار گرفته شده و حتی سبز روشن در کاشی موزه بوستون، منحصر به فرد است و در هیچ نمونه‌ای به کار نرفته است. در بالای کاشی، برگ اسلیمی قلم‌گیری شده (تصویر ۱۸) که مشابه به چند برگ است که روی بدنه خارجی کاسه‌ای با رقم المقری (تصویر ۱۲) و روی ردای سوارکار در کاشی زرین فام موزه قاهره است (تصویر ۱۱). همچنین سر اسب ترسیم شده روی کاشی بوستون، بسیار شبیه به سر اسبی است که داخل کاسه‌ای با رقم المقری وجود دارد و حلقه ترسیم شده روی دهانه اسب و همچنین خطوط یال اسب در هر دو اثر یکی است (تصاویر ۱۹ و ۲۰). این تشابهات سبکی و تصویری، گویای آن است که این سبک ترکیب مینایی و زرین فام موفقیتی ویژه بوده که در کاشی بوستون به اوج خود رسیده است. می‌توان گفت که به احتمال زیاد، سازنده این کاشی زیبا و دو ظرف مینایی و زرین فام، احتمالاً یک نفر بوده زیرا تشابهات تصویری و تکنیکی هر دو اثر، همانند است.



تصویر ۱۷: کاشی زرین فام، کاشان، قرن هفتم هجری، محل نگهداری: موزه ملی قاهره (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ج. ۹: ۷۲۲)



تصویر ۱۶: کاشی مینایی و زرین فام، کاشان، قرن هفتم هجری، محل نگهداری: موزه هنرهای اسلامی بوستون (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ج. ۹: ۷۰۶)



تصویر ۲۰: بخشی از کاسه مینایی و زرین فام کاشان، قرن هفتم هجری، رقم محمد بن ابوالحسن الموقری، محل نگهداری: اف. ام. گونتر (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ج. ۹: ۷۰۵)



تصویر ۱۹: بخشی از کاشی مینایی و زرین فام کاشان، قرن هفتم هجری، محل نگهداری: موزه هنرهای اسلامی بوستون (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ج. ۹: ۷۰۵)



تصویر ۱۸: بخشی از کاشی مینایی و زرین فام، کاشان، قرن هفتم هجری، محل نگهداری: موزه هنرهای اسلامی بوستون (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ج. ۹: ۷۰۶)

۶. نتیجه

این ادعا که الموقری می‌تواند سفارش‌دهنده اثر باشد، اساساً برداشتی اشتباه از دو رقم متفاوت است که یکی با عنوان محمد بن علی الموقری در حرم امام رضا (ع) ثبت شده و دیگری با عنوان محمد بن ابوالحسن الموقری روی آثار سفالین ثبت شده است. رقم اول به احتمال زیاد، حامی هنرمند است که مورد بحث این پژوهش نبوده اما در رقم محمد ابی الحسن الموقری با توجه به تعدد آثاری که از این رقم در مقام سازنده اثر یافت شده، صاحب این رقم می‌تواند به‌عنوان هنرمندی سفالگر شناخته شود. از طرفی به دلیل سبک خاص تکنیکی این هنرمند در ترکیب مینایی و زرین فام و استقلال و صراحت او در رقم زدن روی ظروف، الموقری می‌تواند یک هنرمند مستقل به شمار آید و این برداشت که گاهی اوقات الموقری همان ابوزید است، توجیه نادرستی به نظر می‌رسد. همچنین می‌توان الموقری را به دلیل همین سبک ویژه او که یک گام جلوتر از ظروف فاخر مینایی است، هنرمندی چیره‌دست دانست که احتمالاً همتایی نداشته است. اما چرایی اینکه با وجود چنین توان تکنیکی بالا، ناشناس باقی مانده، جای تحقیق و مطالعه دارد. شاید با پیدا شدن قطعه گم‌شده کاشی ستاره‌ای موزه بوستون، ابهامات مطرح‌شده برطرف شوند. بنابراین می‌توان وی را هم‌پایه ابوزید دانست چراکه این دو هنرمند، تنها هنرمندان شناخته‌شده‌ای هستند که در سده‌های ششم و هفتم هجری روی ظروف سفالین رقم زده‌اند. اما در مورد چگونگی تلفظ نام موقری، نمی‌توان نظری قطعی داد ولیکن تلفظ این نام، نمی‌تواند از دو حالت خارج باشد. اگر وی را الموقری بنامیم، وی می‌تواند از اهالی سرزمین خراسان باشد که به مرکز سرامیک آن عصر یعنی کاشان مهاجرت کرده است و اگر وی را الموقری بنامیم یعنی این هنرمند می‌تواند مهاجری باشد که از شمال آفریقا و گاهی سوریه امروزی به سمت ایران و کاشان آمده باشد. از نظر نویسندگان این نوشتار، شاید حالت دوم به واقعیت نزدیک‌تر باشد چراکه قرابت‌های بسیاری بین سبک زرین فام رقه سوریه و سبک کاشان وجود دارد که در اوضاع و احوال مکانی و زمانی آن عصر، این قرابت فقط با رفت و آمد هنرمندان ممکن بوده است. همچنین برای اثبات بیشتر این احتمال، می‌توان به نظریه مهاجرت شیعیان از فسطاط به ایران پس از سقوط فاطمیون و روی کار آمدن ایوبیان اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Arthur Upham Pope
2. A signed kashan mina'i bowl
3. Oliver Watson

۴. و منهما یجلب الغضائر القاشانی و العامة بقول القاشی.

5. MUQARNAS, A Brief of Abu Zayd, Vol. 25, 2008, p.155-176.

۶. قرائات عشر به قرائت‌های منسوب به ده قاری مشهور اطلاق می‌شود.

۷. تاریخ بیهقی یا تاریخ ابن فندُق کتابی تاریخی به فارسی، نوشته طهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بیهقی معروف به ابن فندُق، دربرگیرنده تاریخ و جغرافیا و احوال عالمان و خاندان‌های مشهور نواحی خاوری و شمال خاوری ایران‌زمین و شهرهایی چون بیهقی، سبزوار، نیشابور و... و چگونگی رویدادهای

این مناطق در زمان استیلای صفاریان، سامانیان، غزنویان و سلجوقیان است.
۸. حدود سبزواری فعلی.

۹. روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان سبزواری در استان خراسان رضوی است.

۱۰. برای مثال امام جمعه پیشین شهر نیشابور، حجت الاسلام اسماعیل مقری بوده است و بستگان وی اهل شهر نیشابور هستند.

۱۱. از شهرهای مراکش امروزی در آفریقا.

۱۲. از جمله کتاب‌هایی که تاریخ مسلمانان آندلس را به تصویر کشیده است. اثر نه تاریخ محض است و نه فرهنگنامه‌ای تاریخی، بلکه دایرةالمعارف‌گونه‌ای است در تاریخ، ادب و جغرافیای آندلس و شرح احوال بزرگان آن از آغاز عصر اسلامی تا سقوط غرناطه.

۱۳. و کان شغله اقراء القران اشریف فی بلده حزان من بلاد شام.

14. Fredrich sarre

۱۵. تعلم قوام الخط یاذا التادب/ فما الخط الا زینة المتأدب.

۱۶. برای اطلاعات بیشتر نک: یزدانی و دیگران ۱۳۹۷: ۱۷۸-۱۶۱.

۱۷. احتمالاً یکی از اولین تصویرگری‌های شاهنامه روی کاشی.

۱۸. فرود نام فرزند جوان و دلاور سیاوش از همسر دیگرش «جریره» و دزبان مرزی توران زمین بود.

منابع

۱. ابن فندق (ابوالحسن علی بن زید بیهقی). ۱۳۶۱. تاریخ بیهقی. تهران: انتشارات فروغی.

۲. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان. ۱۳۶۲. مطلع الشمس. تهران: انتشارات پیشگام.

۳. ایمانپور، محمد تقی، و زهیر صیامیان گرجی. ۱۳۸۹. «بررسی پیشینه یک اثر معماری در حرم رضوی کتیبه‌های سنجری». مطالعات تاریخ اسلام، ش. ۴: ۱۶-۳۵.

۴. پوپ، آپهام، و فیلیس اکرم‌من. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران. ترجمه نجف دریابندری و دیگران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۵. حموی، یاقوت. ۱۳۷۶ق. معجم البلدان. بیروت: دار صادر.

۶. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۳۴. لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷. روغنی، شهره. ۱۳۸۵. «مقری و نفخ الطیب». تاریخ و تمدن اسلامی، ش. ۴: ۱۰۱-۱۲۰.

۸. سیاوشی، کرم، و جواد محمدی. ۱۳۹۴. «امالی نویسی در تاریخ شیعه». فصلنامه شیعه‌شناسی ۱۳ (۴۹): ۲۰۷-۲۲۴.

۹. قوجانی، عبدالله. ۱۳۹۷. احادیث کاشی‌های زرین‌فام حرم مطهر امام رضا. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۰. کاشانی، ابوالقاسم عبدالله. ۱۳۴۵. عرایس الجواهر و نقایس الاطایب. به‌کوشش ایرج افشار. انجمن آثار ملی ایران.

۱۱. کیانی، محمدیوسف، و فاطمه کریمی. ۱۳۶۴. هنر سفالگری دوره اسلامی. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.

۱۲. معین، محمد. ۱۳۸۱. فرهنگ دو جلدی معین. تهران: انتشارات ادنا.

۱۳. واتسون، الیور. ۱۳۸۲. سفال زرین‌فام ایرانی. ترجمه شکوه ذاکری. تهران: انتشارات سروش.

۱۴. یزدانی، ملیکا و دیگران. ۱۳۹۶. «شناخت فنون ساخت و اجرای لایه زرانود در سفال مینایی». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران ۷ (۱۴): ۱۷۸-۱۶۱.

15. Blair, Sheila S. 2008. "A brief biography of Abu Zayd" In *Muqarnas: An Annual on the Visual Culture of the Islamic World* XXV. 155-176.

16. Ettinghausen, Richard. 1936. "Evidence for the identification of Kashan pottery". *Ars islamica* 3, pp 44-76.

17. Pancaroglu, Oya. 2007. *Perpetual Glory. The art institute of Chicago*. Chicago: Illinois

18. Pope, A upham. 1936. "A signed kashan mina-i bowl". *The Burlington magazine* (69) 403: 144-147.

19. Watson, Oliver 2004. *Cermic from islamiclands*. Thamas and High Hodson ltd.

20. <https://lib.eshia.ir/23022/4/1835>

21. www.metmuseum.org

22. www.vam.ac.uk

23. www.penn.museum
24. <https://fa.wikifeqh.ir>

بصناع
بهره‌های ایرا

محمد بن ابی الحسن
المقرئ، سفالگری متبحر
اما ناشناس، ۴۵ - ۵۶

۵۶

